

بررسی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی در عصر حاضر

چکیده

دست‌ساخته‌های سنتی ایران، در گذر تاریخ چند هزارساله خود از آغاز، همواره از یک روندی منطقی برخوردار بوده و همیشه خود را با پیشرفت دانش و فن هماهنگ ساخته‌اند. اما این روند منطقی از سال‌های پایانی دوره صفویه به این سو، تراز و تعادل خود را از دست می‌دهد و پیرو آن کم‌کم هنرهای سنتی ایران دچار ایستایی می‌شود. صنایع دستی ایران امروزه و با گرایش به گذشته درخشان خود از دردسرها و مشکلاتی رنج می‌برد و به دلایل گوناگون از پویایی و شادابی خوبی برخوردار نیست. در این بررسی، ریشه‌های مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی با روش تحلیل سلسله مراتبی، بررسی شد. این پژوهش بر مبنای ماهیت، از نوع پژوهش‌های بنیادی، و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به روش کیفی انجام شده است. قلمرو مکانی شهر اصفهان و جامعه هنرمندان قلم‌زن و قلمرو زمانی از آبان تا بهمن‌ماه ۱۳۹۱ می‌باشد. سرانجام چهار معیار و ۲۲ زیرمعیار که گمان می‌رفت در کم‌رنگ‌شدن هنر قلم‌زنی مؤثر باشند، شناسایی و با شیوه سنجش مقایسه‌های زوجی با نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱ رتبه‌بندی و وزن‌دهی شد. برآیندهای این بررسی نشان داد که بیشترین معیاری که در کاهش این هنر تأثیر داشته است، نداشتن برنامه‌ریزی‌های برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند بوده که زیرمعیار نامیدی هنرمند، در این معیار بیشترین وزن را به خود اختصاص داد. معیارهای دیگر نیز به ترتیب شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه، هنرمند و مشکلات پیش روی آن، و سبک و نقوش به دست آمد.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی عوامل مؤثر بر افول هنر قلم‌زنی.
۲. مشخص کردن عوامل مؤثر بر رونق هنر قلم‌زنی.

سؤالات پژوهش:

۱. عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی کدامند؟
۲. آیا هنر قلم‌زنی در گذر زمان موقعیت خود را از دست داده است؟

کلیدواژه‌ها: صنایع دستی، افول، قلم‌زنی، هنر.

مقدمه

صنایع دستی ایران امروزه و با گرایش به گذشته درخشان خود از ددرسرها و مشکلاتی رنج می‌برد. هنر قلم‌زنی نیز جدای از این امر نبوده است؛ به گونه‌ای که در سال‌های نزدیک، افت چشمگیری در رونق این هنر دیده می‌شود. از این رو حمایت از تولیدکنندگان صنایع دستی از اولویت خاصی برخوردار است. دست‌ساخته‌های هنری و هنرمندان فعال در این میدان، به دلیل ارتباط فعال و هماهنگی که با طبیعت دارند، از اهمیت ویژه‌های در زندگی اجتماعی دوره ما برخوردارند. با این‌روی، جای افسوس که بیشتر فعالان و کنشگران این شاخه از صنعت از پشتیبانی‌های فرهنگی و اقتصادی برخوردار نبوده و برای نداشتن توان گسترش امکانات فنی و مالی، در خطر کاهش بازده کیفی و کمی تولیدات خویش می‌باشند؛ این در حالی است که آنچه در چنین شرایط سختی تولید می‌کنند، افزون بر کاربری جاری مصرفی، یک اثر هنری با جلوه‌ای از آفرینندگی و زیبایی و پایه‌ای برای سرور و شادمانی انسانی و زنده‌دلی اجتماعی است. از این رو بررسی، شناساندن، آسیب‌شناسی و ارزیابی راهکارها برای شناخت و ماندگاری این هنر اهمیت دارد.

دست‌ساخته‌های سنتی ایران در گذر تاریخ چند هزارساله خود همواره از یک پویایی منطقی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که همواره خود را با پیشرفت دانش و فناوری هماهنگ ساخته‌اند و روندی هماهنگ با دیگر شاخه‌های علم و صنعت داشته‌اند. اما این روند منطقی از پایان دوره صفویه به این سو به دلیل جابجایی و تغییر مکان قدرت و ثروت از آسیا به اروپا و همچنین نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی در ایران تعادل خود را از دست می‌دهد و پیرو آن کم‌کم دست‌ساخته‌های سنتی ایران دچار ایستایی می‌شود (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۲). هنر قلم‌زنی یکی از هنرهای کهن در ایران است. بررسی دقیق آثار به دست آمده نشان می‌دهد که زادگاه بسیاری از صنایع دستی و هنرها ایران بوده و صنعت‌گران هنرمند ایرانی در گذر تاریخ، سهم شایسته‌ای در تکوین، گسترش و همگانی‌سازی صنایع دستی داشته‌اند و با ذوق و آفرینندگی خود به آثار هنری هر دوره غنای لازم را بخشیده‌اند (قره و یآوری، ۱۳۷۴: ۳۸). صنایع دستی به درستی نمود واقعی ارزش‌ها و سنت‌های انسان واقعی هستند که به دور از دسته‌بندی‌های جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در عینیت‌بخشی به سه رکن بنیادین توسعه پایدار (سازواری و تطابق، نوگرایی و آفرینش و خلاقیت) نقش به‌سزایی دارند (هوشیار، ۱۳۸۵: ۱۷).

این صنایع به دلیل پتانسیل بی‌مانندری که در اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و سرانجام رشد اقتصاد ملی و همچنین رشد و آموزش نسل جوان دارند، همواره مورد توجه بسیاری از کارشناسان و فناوران بوده‌اند. هنر قلم‌زنی یکی از هواخواه‌ترین، باشکوه‌ترین و زیباترین آثار هنری، تاریخچه‌ای ژرف و درخور نگرش دارد. این هنر همچون دیگر صنایع دستی، از چهارچوب فرهنگ‌ها و بینش‌های فلسفی و ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با گرایش به دیدگاه‌های قومی آنان ساخته و پرداخته می‌شود (صرامی، ۱۳۸۴: ۴۹ و هوشیار، ۱۳۸۵: ۱۶). در این پژوهش، عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی با روش تحلیل سلسله‌مراتبی بررسی شد. این پژوهش بر مبنای ماهیت، از نوع پژوهش‌های بنیادی، و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به روش کیفی انجام شده است. قلمرو مکانی میدان نقش جهان اصفهان، جامعه آماری، هنرمندان قلم‌زن اصفهان برگزیده شده است. نمونه‌گیری از تعدادی قلم‌زن‌ها، تصادفی و قلمرو زمانی از آبان تا بهمن ماه ۱۳۹۱ دیده شده است.

تاکنون بررسی‌های گوناگونی درباره دروسها و سختی‌های صنایع دستی در کشورمان انجام شده است. (ریاضی؛ ۱۳۷۴: ۳۶-۳۲)، به بررسی مسائل و مشکلاتی که صنایع دستی با آن روبرو بوده است، پرداخت و دلایل گوناگون این سختی‌ها را بیان کرد و راه‌حلهایی برای بهبود وضع صنایع دستی ایران بیان نمود (صرامی؛ ۱۳۸۴: ۶۰-۴۹)، به بررسی انواع صنایع اصفهان و مشکلات آن پرداخت و برای بهبود شرایط و مطلوبیت صنایع دستی، راهکارهای لازم را ارائه داد (قره و یآوری؛ ۱۳۷۴: ۴۱-۳۸)، به بررسی نقش و جایگاه صنایع دستی در روند رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی پرداخت و یکی از پایه‌های بنیادین در این روند را شناخت عوامل مؤثر و تعیین سهم هر یک در روند توسعه بیان کرد. (ضرغام و عطرسایی، ۱۳۸۵: ۹۹-۸۱)، برپایه مدل سه وجهی اوه، پیوند بین ویژگی‌های جمعیت شناختی، ویژگی‌های محیطی/ موقعیتی مقصد و هزینه‌کرد گردشگران برای خرید صنایع دستی را بررسی کرد و آگاهی از رفتار مصرف‌کننده در بازاریابی و فروش صنایع دستی را یکی از موارد مهم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیان کرد. (رضوانفر؛ ۱۳۸۵: ۷۰-۴۷)، به بررسی صنایع دستی از رویکرد مردم‌شناسی پرداخت تا درکی درست از صنایع دستی، جایگاه و نقش آن در چند سده اخیر به دست دهد و صنایع دستی را در دوره سنت یا پیش از دوره مدرن، مدرن و پسامدرن یا پست‌مدرن بررسی کرد (شریف‌زاده؛ ۱۳۸۵: ۱۹-۱۶)، به نقش هنر در تولید صنایع دستی پرداخت و یادآور شد آنچه می‌تواند صنایع دستی را از تکرار و پیروی کورکورانه نجات دهد، توجه به جنبه‌های هنری در صنایع دستی است.

در این پژوهش، برای تعیین عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی در سال‌های اخیر از روش تحلیل سلسله مراتبی توماس ساعتی^۱ بهره گرفته شد. از این رو ابتدا نسبت به شناسایی عوامل مؤثر در افت هنر قلم‌زنی اقدام شد. در پژوهش جاری به شناسایی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی با جمع‌بندی دیدگاه کارشناسان، صاحب‌نظران و هنرمندان این صنعت در قالب پرسش‌نامه‌های بسته-پاسخ پرداخته شد. سرانجام با جمع‌بندی دیدگاه‌های کارشناسان و هنرمندان این حرفه چهار عامل مهم بر افت هنر قلم‌زنی شناسایی شد. از آنجاکه ارجحیت عوامل نسبت به هم به نقش هر عامل در تأثیر آن در افت هنر قلم‌زنی دارد، یکی از راه‌های مقایسه اهمیت و تأثیرگذاری عوامل، محاسبه وزن اهمیت عوامل در جایگاه معیاری برای سنجش آن‌هاست. در محاسبه و برآورد اهمیت (وزن) هر عامل نسبت به عوامل دیگر، از روش مقایسات زوجی برپایه نظر کارشناسان و هنرمندان مرتبط بهره گرفته شد (Feng Kong and Hongyan Liu, ۲۰۰۵). و روش تحلیل سلسله‌مراتبی برای ارزیابی اوزان مؤثر در تصمیم‌گیری به کار گرفته شد. در این روش ماتریسی از عوامل مختلف مؤثر در ارزیابی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی تشکیل و در سنجش زوجی عوامل، اهمیت عوامل از بی‌نهایت، کم‌اهمیت تا بی‌نهایت مهم رتبه‌بندی شد. اهمیت عوامل در هر مرتبه با عددی بین «۱» تا «۹» بیان شده است. اعداد مربوط به درجه اهمیت نسبی عوامل با پرسشنامه، مصاحبه و جمع‌بندی دیدگاه ۳۰ نفر از هنرمندان و کارشناسان فعال در زمینه هنر قلم‌زنی به دست آمد. روش تحلیلی سلسله‌مراتبی با محاسبه میانگین هندسی هر ردیف و ستون و سنجش آن‌ها با یکدیگر، وزن هر عامل را در کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی به دست می‌آورد که این محاسبات با نرم‌افزار اکسپرت چویس^۲ انجام شد. وزن هر عامل نشان‌دهنده درجه اهمیت آن در افول هنر قلم‌زنی است. (جدول ۱)

^۱. Tomas L. Saaty, ۱۹۹۴: ۲۳

توماس ساعتی استاد دانشگاه Pittsburgh پژوهشگری عراقی است که بنیان‌گذار فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP می‌باشد

(<http://www.modir.rozblog.com/post/۱۶۶>).

^۲ - Expert choice

نتیجه‌گیری

در این تحقیق برای شناسایی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی، به بررسی عوامل اساسی و زیرمعیارهای مرتبط با هر کدام پرداخته شده‌است. نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده تأثیرگذاری همه عواملی است که هر یک به‌نوبه خود در سختی‌ها و دردسرهای هنر قلم‌زنی دخیل هستند. با توجه به نقش بسیار مهم نبود برنامه‌ریزی برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند به‌عنوان نخستین عامل افت هنر قلم‌زنی، بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق، پشتیبانی دولت، ارایه راهبردها و راهکارها از سوی پژوهشگران در راستای کاهش تأثیر این عامل ضروری است.

دومین عامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی، می‌تواند شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه باشد که کاهش بازده کیفی و کمی تولیدات هنر قلم‌زنی را در پی داشته‌است؛ از این‌رو برنامه‌ریزی درست در راستای صادرات بیشتر این صنایع و ایجاد بازار رقابت بین قشر فعال در این عرصه می‌تواند شرایط مناسبی برای رونق بخشیدن به این هنر و افزایش بازده تولید فراهم نماید. در ادامه می‌توان هنرمند و مشکلات پیش روی آن را سومین عامل افت هنر قلم‌زنی معرفی کرد که به شکلی ناخودآگاه، کمرنگ شدن انگیزه ادامه کار و ازدست دادن لطافت و ریزه‌کاری اثر پدید آمده از سوی هنرمند را در پی دارد. تدوین و برنامه‌ریزی برای ثبت طرح و سبک هنرمندان در راستای نبود تقلید آثار از یکدیگر می‌تواند گامی مهم در راستای رونق بخشیدن به این صنعت و حفظ ارزش‌های قومی و فرهنگی باشد.

در این بررسی، سبک و نقوش، آخرین عامل تأثیرگذار در افت هنر قلم‌زنی تعیین شد. تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی کشور و کم کردن تأثیر هنر غرب، هماهنگی صنایع دستی با ذوق، ابتکار و روحیه جامعه معاصر می‌تواند باعث کاهش تأثیرگذاری این عامل شود.

با توجه به عوامل گفته‌شده و برای نگهداشت ارزش‌های قومی و فرهنگی، صنعت ارزشمند قلم‌زنی نیازمند فکر و اندیشه استوار می‌باشد که در این میان مسئولان ذی‌ربط باید در راستای پیشبرد جایگاه صنایع دستی، کاربردی کردن محصولات، افزایش خدمات به صنعت‌گران، شناساندن و ارایه راهکارهای مناسب برای آشنایی کشورهای دیگر با هنرهای دستی ایران تلاش کنند. هرچند در راه توسعه و باززنده‌سازی صنایع دستی ایران، سازمان صنایع دستی کشور، مرکز توسعه صادرات ایران و سازمان میراث فرهنگی گام‌های مهمی برداشته‌اند، اما رونق و پیشرفت این هنر نیازمند همکاری بیشتر سازمان‌های ذی‌ربط با هنرمندان و کارشناسان این صنعت می‌باشد. امید است که آنچه گفته شد در بهبود شرایط کنونی صنایع دستی ایران مؤثر باشد.

منابع

کتاب‌ها

احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۶). «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
حمزه لو، منوچهر. (۱۳۸۳). «هنر قلم‌زنی در ایران»، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مقالات

- آریا، هوشنگ. (۱۳۸۱). «برنامه عملی جهانی برای بهبود وضعیت صنایع دستی»، نشریه اقتصاد- نامه اتاق بازرگانی، شماره ۴۰۹، صص ۲۸-۳۰.
- دروچی، خلیل. (۱۳۷۹). «تغییر شیوه سنتی تولید صنایع دستی برای رشد صادرات آن ضروری است»، نشریه اقتصاد- بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۷، صص ۴۲-۴۵.
- رستم بیگی، ثمین. (۱۳۸۸). «ضرورت خلاقیت در آموزش صنایع دستی»، رشد آموزش هنر، شماره ۲، صص ۴-۷.
- رضوانفر، مرتضی. (۱۳۸۵). «صنایع دستی و مدرنیته- تحلیلی مردم‌شناختی از ابعاد نظری صنایع دستی»، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری- کتاب ماه هنر، شماره ۹۹ و ۱۰۰، صص ۴۷-۷۰.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۴). «نگاهی اجمالی به مسائل و مشکلات صنایع دستی ایران»، فرهنگ و هنر- جلوه هنر، شماره ۴، صص ۳۲-۳۶.
- شریف‌زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۸۵). «نقش هنر در تولید صنایع دستی»، نشریه فرهنگ و هنر- رشد آموزش هنر، شماره ۷، صص ۱۶-۱۹.
- صادقی، مهدی. (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی صنعت تبلیغات در ایران و چند راهکار پیشنهادی»، هنر هشتم، شماره ۲۷، صص ۷۱-۷۵.
- صرامی، حسین. (۱۳۸۴). «صنایع دستی اصفهان و مشکلات آن»، نشریه جغرافیا- فضای جغرافیایی، شماره ۱۳، صص ۴۹-۶۰.
- صنایعی، علی. (۱۳۸۸). «بررسی مسائل، مشکلات و راهکارهای علمی توسعه صادرات تعاونی‌های صنایع دستی استان اصفهان»، دفتر تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون، شماره ۱۶۱، صص ۴۰-۴۱.
- ضرغام، حمید و عطرسایی، بنفشه. (۱۳۸۵). «رابطه عوامل جمعیت‌شناختی و رفتار خرید صنایع دستی گردشگران اروپایی در اصفهان»، نشریه اقتصاد- مطالعات گردشگری، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۸۱-۹۹.
- قره، محمد و یآوری، حسین. (۱۳۷۴). «نقش و جایگاه صنایع دستی در روند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، نشریه فرهنگ و هنر، شماره ۴، صص ۳۸-۴۱.
- نصری، شهین. (۱۳۷۴). «پیشنهادهایی جهت بازاریابی موفق در صادرات صنایع دستی»، نشریه اقتصاد- بررسی‌های بازرگانی، شماره ۹۹، صص ۸۴-۹۰.
- هوشیار، مهران. (۱۳۸۵). «صنایع دستی، دیروز، امروز، فردا- بررسی جایگاه تکنولوژی در صنایع دستی و حفظ هویت فرهنگی دنیای امروز»، رهپویه هنر، شماره ۱، صص ۱۶-۲۱.

لاتین

Feng Kong, Hongyan L. (۲۰۰۵). "Applying Fuzzy Analytic Hierarchy Process to Evaluate Success Factors of E-Commerce" International Journal of Information and Systems Science ۱, pp. ۴۰۶-۴۱۲.

Abyareh, R. (۲۰۰۷). "Tourism Attractions and their influence on Handicraft Employment in Isfahan" Master of Tourism and Hotel Management in Lulea University of Technology, pp. ۱-۷۵.

Tomas L. S. (۱۹۹۵). "Fundamentals of Decision Making and Priority Theory with the AHP" (RWS Publications, Pittsburgh, PA, USA).

سایت اینترنتی

-<http://www.modir.rozblog.com/post/۱۶۶,۱۳۹۳/۰۷/۰۱,۲۲:۱۳pm>.